

خدایان و دیوانِ ایران باستان

وحیده حسینی

www.ketab.ir

انتشارات نوید شیراز



سرشناسه	حسینی، وحیده، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	خدایان و دیوان ایران باستان/ وحیده حسینی.
مشخصات نشر	شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۴۴۱-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۰۳.
یادداشت	نمایه.
موضوع	اساطیر ایرانی
موضوع	خدایان ایرانی
موضوع	دیوشناسی زردشتی
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ خ ۵ ج ۴ / BL۲۲۷
رده بندی دیویی	۲۰۱/۱۳۰۹۹۵
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۶۲۶۶۷



خدایان و دیوان ایران باستان

وحیده حسینی

صفحه آرای: نجمه اسکندری □ طرح جلد: نجمه شهابی □ لیتوگرافی و چاپ: واصف تیراز: ۱۰۰۰ جلد □ چاپ اول: ۱۳۹۳ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۶۲-۲۲۲۶۶۶۱ نمابر ۰۷۱۱-۲۲۲۹۶۷۶ □ ص. پ: ۷۱۳۶۵/۶۶۶

دفتر تهران - تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۸۸۹۲۱۵۲۲-۰۲۱

پست الکترونیکی: info@navideshiraz.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۴۴۱-۵ ISBN: 978-600-192-441-5

۷۰۰۰ تومان

فهرست

۲۲.....	اردافرورد	۷.....	پیش گفتار
۲۲.....	اردیبهشت	۲۱.....	آدا
۲۳.....	آرشتاد	۲۱.....	آذر
۲۴.....	آزوتی	۲۵.....	آریامن
۲۴.....	آزگهانی	۲۵.....	آز
۲۴.....	آزی دهاک	۲۵.....	آسمان
۲۵.....	ایستک	۲۶.....	آشتی
۲۶.....	اسپنجروش	۲۶.....	آگاش
۲۶.....	استوداد	۲۶.....	آناهیتا
۲۷.....	آسنیه	۲۹.....	آندر مام
۲۷.....	آشموغی	۲۹.....	ایببی غینه
۲۷.....	آشی	۲۹.....	آئیوی سروشیم
۲۸.....	آکه تش	۳۰.....	اباختران
۲۸.....	آکه من	۳۰.....	آیم نبات
۲۹.....	امشاسپندان	۳۱.....	آپوش
۴۰.....	آمه	۳۱.....	ایرته

۵۱.....	پنوروتات	۴۰.....	آناست
۵۱.....	پیشیش	۴۱.....	آندز
۵۲.....	پارندی	۴۱.....	آنفران
۵۲.....	پری	۴۱.....	اوپرتات
۵۲.....	پریمتی	۴۲.....	اوپه نیا
۵۲.....	پنی	۴۲.....	اوپه نیا
۵۳.....	تاریگیه	۴۲.....	اودک
۵۳.....	تب	۴۲.....	اورمرد
۵۳.....	تخلگی	۴۳.....	اوزیرین
۵۳.....	ترومت	۴۳.....	اوسچ
۵۳.....	تریر	۴۴.....	اوشهین
۵۴.....	تشیگ	۴۴.....	اهریمن
۵۴.....	توشنامیتی	۴۵.....	آیر
۵۴.....	تیشتر	۴۵.....	ایوبد
۵۷.....	ثواشا	۴۵.....	باد
۵۷.....	جانبه	۴۶.....	بت
۵۸.....	جهی	۴۶.....	برج
۵۹.....	چشمک	۴۶.....	برز
۵۹.....	چینا	۴۶.....	بشی
۶۰.....	چستی	۴۶.....	نخ
۶۰.....	خرداد	۴۷.....	بوئیتی
۶۰.....	خرو	۴۷.....	بوئیدی
۶۰.....	خروغن	۴۷.....	بوجی
۶۱.....	خشم	۴۷.....	بوشاسب
۶۱.....	خفگ	۴۷.....	بهرام
۶۱.....	خورشید	۵۰.....	بهمن

۷۴.....	ساونگهی	۶۲.....	دئیوی
۷۴.....	ساوول	۶۲.....	داموئیش اوپمن
۷۵.....	سیندمینو	۶۳.....	درواسپ
۷۵.....	سپندارمذ	۶۴.....	دروئاته
۷۷.....	سرد	۶۴.....	دریوی
۷۷.....	سروش	۶۴.....	دژیائیری
۷۹.....	سیج	۶۴.....	دهمان آفرین
۷۹.....	سیلیم	۶۴.....	دهیو
۷۹.....	شهریور	۶۵.....	دین
۸۱.....	فراذت ویسیم	۶۵.....	دیوان مزنی
۸۱.....	فراذت فشو	۶۶.....	رانا
۸۱.....	فراذت ویر	۶۶.....	رام
۸۱.....	فرزیشته	۶۶.....	زیتوین
۸۲.....	فرشانی	۶۸.....	رتوبرزیت
۸۲.....	فریه بُد	۶۸.....	رستات
۸۲.....	گریان	۶۸.....	رَشک
۸۲.....	گسویش	۶۸.....	رشن
۸۲.....	کمارگان	۶۹.....	زامیاد
۸۳.....	کند	۷۰.....	زرتشتوم
۸۳.....	کوی	۷۰.....	زَرمَمان
۸۳.....	عُرسنگ	۷۰.....	زَروان لُزروان
۸۳.....	عِرم	۷۳.....	زَریر
۸۳.....	گنامینو	۷۳.....	زَمک
۸۴.....	گوش تَشَن	۷۳.....	زَنتوم
۸۴.....	گوشورون	۷۳.....	سَننی
۸۵.....	ماسر سپند	۷۴.....	سَنوکل

۹۸.....	ویس.....	۸۵.....	ماه.....
۹۸.....	ویه.....	۸۶.....	ماه تاریک.....
۹۸.....	هاوتی.....	۸۶.....	ماهیه.....
۹۹.....	هَدیش.....	۸۶.....	مرداد.....
۹۹.....	هشی.....	۸۷.....	مَرِّدیک.....
۹۹.....	هوجیاتی.....	۸۷.....	مَرِشئون.....
۹۹.....	هوم.....	۸۸.....	مَر.....
۱۰۲.....	هیز.....	۸۸.....	مَلکوس.....
۱۰۲.....	یائیریه.....	۸۸.....	موش پری.....
۱۰۳.....	نمایه.....	۸۹.....	مهر.....
۱۱۵.....	فهرست منابع.....	۹۲.....	مهر تاریک.....
		۹۲.....	میتوخت.....
		۹۲.....	میتی.....
		۹۲.....	نَئیری.....
		۹۳.....	ناگهس.....
		۹۳.....	نریوسنگ.....
		۹۳.....	نَزیشت.....
		۹۴.....	نَسوش.....
		۹۴.....	نِمانیه.....
		۹۵.....	نگ گر دیو.....
		۹۵.....	نو به نو دیو.....
		۹۵.....	وای.....
		۹۷.....	وای بدتر.....
		۹۷.....	وَرَن.....
		۹۷.....	ویزرش.....
		۹۸.....	ویزیدار دَهشن.....

پیش‌گفتار

اساطیر در زمره‌ی پررمز و رازترین و ناشناخته‌ترین زمینه‌ها در گستره‌ی دانش و فرهنگ بشری بشمار می‌آیند. در واقع ارتباط و پیوند آن‌ها با گذشته‌ای به قدمت هزاران هزار سال، اساطیر را در حاله‌ای از ابهام، رمز و راز و ناشناختگی فرو برده است. به همین دلیل قبل از هر چیز شاید بهتر باشد این بحث را با واکاوی معنا، اصل و ریشه‌ی واژه‌ی «اسطوره» آغاز کنیم؛ هر چند در زبان پارسی یافتن معانی دقیق و مشخص برای این واژه که تضاد و تداخلی با یکدیگر نداشته باشند ممکن نیست؛ اما از سویی دیگر این سرگشتگی معنایی گناه زبان پارسی نیز نیست و این مسئله در پی مطالعه و ترجمه‌ی آثار پژوهندگان اسطوره‌شناس خارجی که پایه‌گذاران مطالعات علمی اساطیری بشمار می‌آیند پدید آمده است.^۱ به هر حال بررسی ریشه‌شناختی این واژه شاید بتواند تا حدی بعضی از جنبه‌های ناپیدای معنایی آن را روشن سازد.

۱. مهرداد بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، نشر آگاه، ۱۳۸۱، ص ۲۴۴.

واژه‌ی اسطوره از زبان عربی به زبان فارسی راه یافته است و ریشه‌ی آن سطر است. البته این واژه در زبان عربی نیز اصیل نیست و از واژه‌ی یونانی هیستوریا مشتق شده است. در فرهنگ‌های فارسی معمولاً دو معنا برای واژه‌ی معرب اسطوره ذکر شده است: یکی افسانه، قصه، حکایت و داستان و دیگری سخن نادرست و کاذب و غیر واقعی. معادل واژه‌ی اسطوره در زبان‌های اروپایی واژه‌ی میت (myth) می‌باشد که ریشه‌ی آن واژه‌ی یونانی میثوس است. معنایی که از واژه‌ی میت در زبان اروپایی برداشت می‌شود مانند زبان فارسی است؛ یعنی هم به معنای داستان‌هایی کههن از زمان‌های دوردست و باستانی و هم به معنی پنداشت‌ها و باورهای نادرست و اشتباه. در زبان انگلیسی دو واژه‌ی هیستوری (history) و استوری (story) به معنای تاریخ و داستان بازمانده‌های همان واژه‌ی یونانی هیستوریا هستند.

با کنکاشی ساده در فرهنگ‌های زبان سایر جوامع مشخص می‌شود که در اکثر فرهنگ‌ها همین معانی برای این واژه در نظر گرفته شده و در واقع معنای این واژه می‌تواند در گستره‌ای از تخیل تا واقعیت نوسان داشته باشد. به دیگر بیان، اسطوره با تضادی معنادار هم می‌تواند به رویدادی تاریخی اشاره کند و هم می‌تواند داستانی باشد کاملاً غیر واقعی، تخیلی و ساختگی.

با این دوگانگی و پیچیدگی‌های معنایی طبعاً محدود کردن این واژه در یک تعریف کامل و واحد به طوری که در برگیرنده تمام مفاهیم و زوایای آن باشد کاری است سهل و ممتنع. از آن گذشته بیش از ده مکتب اسطوره‌شناسی در جهان وجود دارد که هر کدام از دیدگاهی متفاوت به یکی از جنبه‌های اسطوره پرداخته و تعریفی خاص و متفاوت از آن ارائه داده‌اند. به

طور مثال از دیدی فلسفی که نظریه پرداز مهم آن ارنست کاسیرر فیلسوف و اسطوره شناس آلمانی است اسطوره ها روایاتی فلسفی هستند. مفاهیمی علمی و عقلی و عملی که بشر در بخشی از حیات خود، جهان را به یاری آن ها شناسایی کرده است. در واقع از این دید میان اسطوره و علم تفاوت جوهری وجود ندارد. در مکتب زبان شناختی هم اسطوره خود نوعی زبان محسوب می شود؛ درحالی که از دیدگاه روانشناختی و روانکاوی، اسطوره نتیجه ی نیازهای روحی روانی عمیق وجود بشر است. میرچالایده تاریخ نگار و دین شناس معروف رومانیایی نیز که از دیدگاه دین شناختی به اسطوره نگریسته؛ آن را بیانگر نوعی باور، استنباط و دریافت مذهبی انسان های نخستین و شکل ابتدایی از دین می داند. همین طور مکاتب دیگری نیز هستند که از دید جامعه شناختی و یا اجتماعی به این پدیده پیچیده پرداخته اند.

اما در یک نگاه کلی شاید اولین و ساده ترین تعریف اسطوره این باشد که اسطوره نوعی داستان و یا به عبارتی دقیق تر نوعی روایت رمزی و نمادین است؛ روایتی ساخته و پرداخته ی ذهن انسان های بهوی هر جامعه در نخستین مراحل تمدن و تکامل فکری شان.

البته باید توجه داشت که اساطیر همچون قصه ها، داستان هایی صرفاً خیالی و سرگرم کننده نبوده اند که برای شنیدن و لذت خوانندگان نقل شده باشند؛ هر چند نمی توان انکار کرد که اولین و آنی ترین تأثیر شنیدن هر داستانی، همان لذت بردن و سرگرم شدن است. اما سوای این وجه هنری و زیبایی شناسانه می توان در اساطیر وجوهی از تفکر و باورهای یک ملت، تاریخ رشد تمدن و فرهنگ آن را مشاهده نمود و با این شناخت اساطیری به درک

کامل تری از چگونگی تکامل یک ملت و تحول آداب و سنن آن جامعه رسید. در واقع در زمان‌های کهن و دوردست باستانی، زمانی که هنوز دانش بشری قادر به تبیین و تفسیر هستی پیرامون بشر نبود؛ ناشناخته‌های جهان، تخیل انسان را به سوی دنیایی ماورا با موجوداتی خارق‌العاده و فراانسانی کشاند و همین جا بود که اساطیر خلق شدند. به دیگر بیان، اسطوره تا پیش از ظهور علم، پاسخ ذهن ابتدایی اما جستجوگر بشر نخستین به چیستی‌های جهان پیرامون او بوده است. پرسش «انسان کیست و از کجا آمده و به کجا خواهد رفت؟» پرسشی است به قدمت پیدایش بشر بر روی این کره‌ی خاکی. در ادوار مختلف با توجه به پیشرفت شناخت و شعور بشر به این پرسش در قالب‌های مختلف پاسخ‌های متعددی داده شده است. مهرداد بهار اهمیت بسیار زیادی برای این پرسش‌های فلسفی بشر قائل است. او اعتقاد دارد بر اساس پاسخ‌های انسان به این پرسش‌ها در ادوار مختلف، می‌توان مراحل پیشرفت شناخت و آگاهی او را دریافت. می‌توان دریافت که ایمان به خدایی واحد و خالق یکتا از درون چه سردرگمی‌ها و سرگشتگی‌ها پدید آمده است. چگونه انسانی که روزی مظاهر طبیعت را می‌پرستید و برای خورشید، ماه، ستارگان، باران و نظایر آن‌ها، ایزدان ویژه‌ای قائل بود؛ سرانجام از پی همه‌ی تجارب هزاران ساله خود، به مفهوم خدایی یکتا دست یافت و بت‌پرستی و عقاید دوران اسطوره‌ای را به کنار نهاد. البته از نظر او این مسیر شناخت و پیشرفت هنوز نیز ادامه دارد و آگاهی را مرزی نیست.